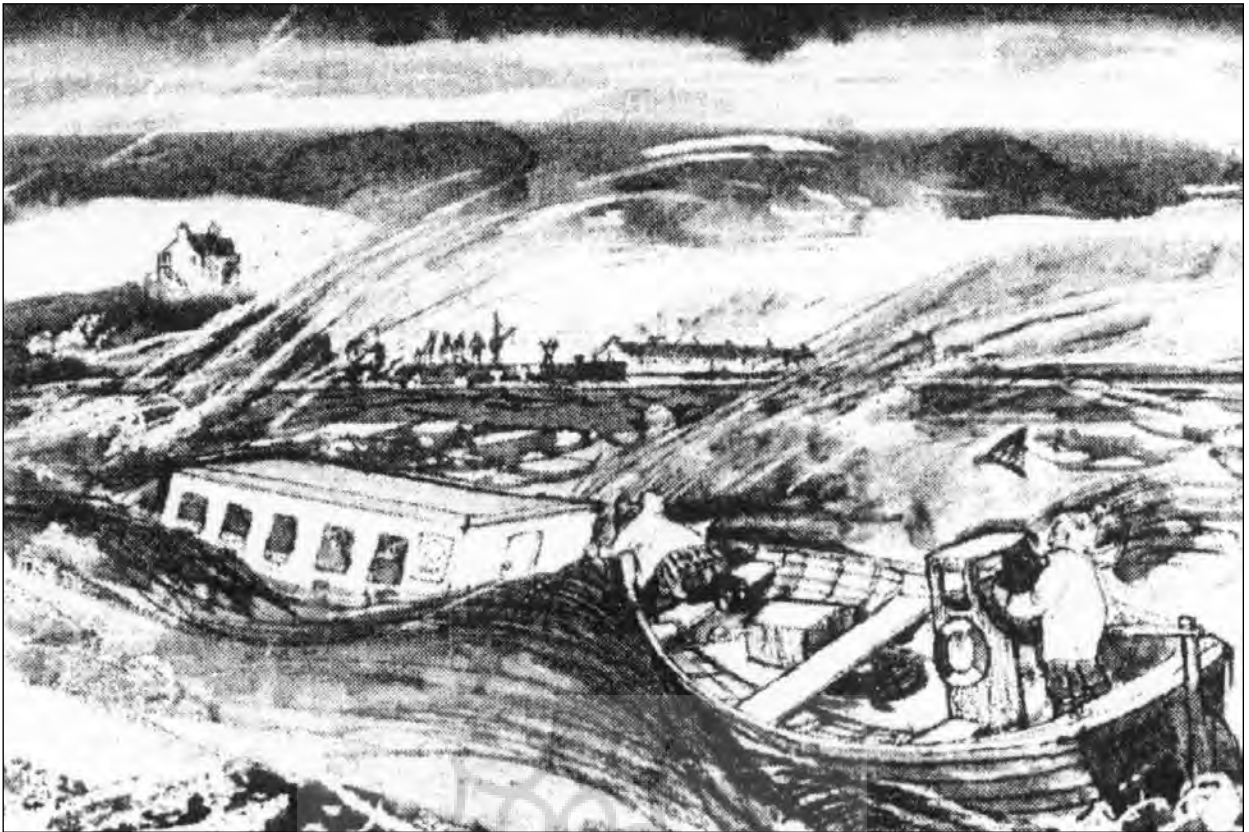


# تجزیه و تحلیل در چند کتاب تصویری اروپایی

O نویسنده: پنی کاتون<sup>1</sup>  
O مترجم: علی خاکبازان



مفاهیم کتاب‌های تصویری، به طور کلی از درون موقعیتی که داستان در آن رخ می‌دهد، به خواننده منتقل شود؛ جایی که معمولاً زمان و مکان داستان و نیز شیوه روایت شکل می‌گیرد. موقعیت می‌تواند احساس غربت را در خواننده برانگیزاند، به توصیف شخصیت‌ها کمک کند و بر آنها تأکید ورزد. این امر، به ویژه در مورد کتاب‌های تصویری اروپایی، به دلیل گوناگونی رنگ‌ها در [طبیعت] این قاره صدق می‌کند؛ چرا که در این قاره از آب و هوای سرد مناطق شمالی تا گرمای مناطق جنوبی را می‌توان مشاهده کرد. همان طور که نویسندگان، روش‌های مختلفی برای خلق حوادث و وقایع داستان‌های خود به کار می‌گیرند، تصویرگران هم می‌توانند با استفاده از خط، شکل و رنگ اتاقی خالی را به تصویر بکشند یا باغی زیبا را به نمایش بگذارند. آن‌ها با حذف ماهرانه جزئیات یا استفاده زیاد از آن، خواننده را قادر می‌سازند تا به دنیای دیگری پا بگذارند. به قول جودیت گراهام<sup>2</sup>، هنگامی که جزئیات کم است، ما این امکان را می‌یابیم که جای خالی آن را خودمان پر کنیم و با این کار، حس عمیق‌تری نسبت به داستان پیدا می‌کنیم. اما زمانی که جزئیات زیاد به کار گرفته می‌شود، می‌توانیم به میل خود انتخاب می‌کنیم؛ آن چه را نمی‌خواهیم، کنار بگذاریم و در این میان، نکته‌هایی تازه بیاموزیم. به هر حال، اگر تناقضی بین عناصر بصری وجود دارد، همان طور که در کتاب نگهبانان اشیای گم شده دیده می‌شود، به دلیل ترکیب دنیای واقعی و غیر واقعی است. در این جا، گرچه تصویرگر از رنگ و نور استفاده



کمک می‌کند تا به شیوه‌های مختلف زندگی پی ببرند و بدانند که در عین حال، به صورت مستقل، دارای زبان و فرهنگ خاص خود است که این امر به غنای زندگی ساکنان آن کمک می‌کند. به علاوه، موضوع دوستی در تمام فرهنگ‌ها به صورت عام رواج می‌یابد.

در این جاش داستان مصور که از میان مجموعه داستان‌های مصور اروپایی انتخاب شده، مورد بررسی

گرفته است تا نشان دهد که تفاوت‌های فرهنگی، حتی در چشم اندازی بین المللی، قابل توجه است: موضوع دوستی که با کودکان پیوند خورده است، به عنوان یکی از اصول مسئولیت‌پذیری، قابل طرح است. کتاب‌هایی که از [کشورهای] سوئد، اسکاتلند، اسپانیا، دانمارک، ایرلند و ولز انتخاب شده‌اند، شخصیت‌های داستانی خود را در همان زمینه‌های فرهنگی که توسط نویسندگان و تصویرگران آن‌ها خلق شده‌اند، به صورتی زنده و قابل درک به نمایش گذاشته‌اند. گرچه تمام داستان‌ها موقعیت زمانی و مکانی خاص خود را دارند، برخی از آن‌ها فرهنگی را به نمایش می‌گذارند که جهان شمول است و کلیه کودکان در آن زندگی می‌کنند.

تجزیه و تحلیل نشانه‌شناختی متن که در مورد این کتاب‌ها به کار گرفته شده است و هر تصویرگری از آن به عنوان کدهای بصری استفاده می‌کند (حالت، اندازه، پرسپکتیو، کادر، خط، رنگ، شکل، کنش، حرکت،

**موقعیت می‌تواند احساس غربت را در خواننده برانگیزاند، به توصیف شخصیت‌ها کمک کند و بر آنها تأکید ورزد. این امر، به ویژه در مورد کتاب‌های تصویری اروپایی، به دلیل گوناگونی رنگ‌ها در [طبیعت] این قاره صدق می‌کند؛ چرا که در این قاره از آب و هوای سرد مناطق شمالی تا گرمای مناطق جنوبی را**

**می‌توان مشاهده کرد**

*پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

کودکان ابتدایی (۱۰ و ۱۱ ساله) و شناخت بیشتر همسایگان اروپایی تهیه شده است. مخاطب با خواندن داستان‌های مصور این مجموعه، همسایگان خود را بهتر می‌شناسد. موقعیت هر داستان (زمان، مکان و فضا) چنان با دقت تنظیم شده است که چشم اندازی از فرهنگ هر کشور ارائه می‌دهد و در عین حال، موضوع هر کدام از آن‌ها عام است. دوستی بین انسان‌ها با تأکید کردن روی مشابهت‌های موجود در ادبیات، زبان و فرهنگ کشورهای اروپایی. این امید وجود دارد که آشنایی با چنین مشترکاتی، به کودکان کمک کند تا به مشابهت‌ها و اشتراکات بسیاری که بین اروپاییان وجود دارد، پی ببرند. درک این اصول، سبب ایجاد حس همدردی بین ملت‌ها می‌شود که در نتیجه ترس، از بیگانه را از بین می‌برد و نوعی هماهنگی بین آنان به وجود می‌آورد. [از سوی] تفاوت‌هایی که در این کتاب‌ها روی آن‌ها تأکید شده است، به کودکان

کرده است، حالت‌ها به درک عمیق‌تر و بهتر خواننده جوان از داستان، بسیار کمک می‌کند.

این نوع تجزیه و تحلیل کتاب نگهبانان اشیای گم شده و دیگر کتاب‌های مصور اروپایی، سبب شده است که بحث و گفت و گو درباره کتاب‌های مصور امروزی، به نتیجه بهتری برسد. با چنین تجزیه و تحلیلی، امکان پی بردن به نوع ارتباطی که خواننده ممکن است بین

عناصر بصری، دیالوگ‌ها و متن داستان برقرار سازد، بیشتر وجود دارد. برای مثال، جنبه‌های ایستا در نشانه‌های بصری که برای توضیح موقعیت داستان به کار گرفته می‌شود، می‌تواند با زبان نوشتاری و دیالوگ‌ها که در کار توصیف مورد استفاده قرار می‌گیرد، برابری کند و هم عرض باشد. این هم ترازوی را می‌توان در داستان بصری و نوشتاری نیز مورد توجه قرار داد. تجزیه و تحلیل عناصر بصری، ممکن است توسط کودکان به منظور پرورش و رشد زبان گفتاری و نوشتاری و هم چنین، آشنایی با نحوه کارکرد روایت در برخی داستان‌ها، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، تجزیه و تحلیل عناصر بصری، به ایجاد حس مکان در داستان‌ها کمک می‌کند.

این شش داستان مصور اروپایی، از میان مجموعه‌ای با بیست عنوان داستان، برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده است. این مجموعه، برای آموزش

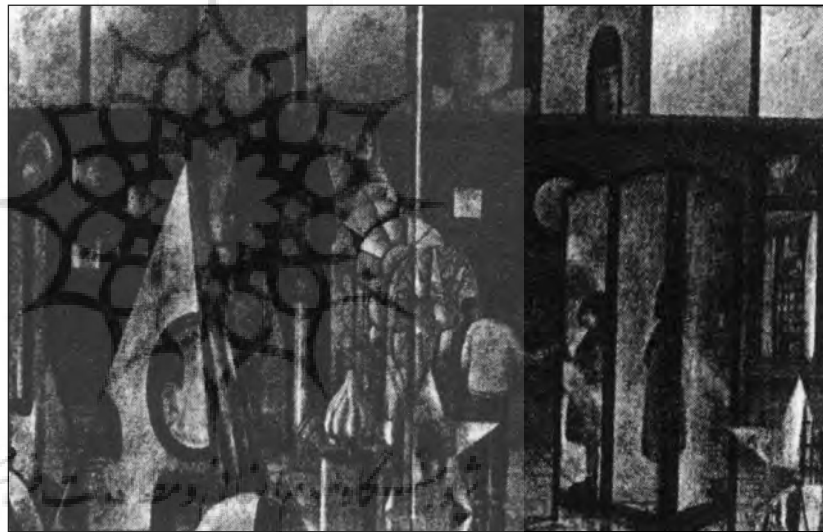
حالت‌های چهره، حرکات بدن و کادرهای سینمایی)، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در برخی موارد، معرفی از طریق تکنیک‌های بصری روایی صورت می‌گیرد (مسافت، مکان، چشم‌انداز، زمان، طرح، نقشه، تصاویر ابتدایی، نماد، جزئیات ضمنی و حالت‌ها).

### جوانا، می‌توانی سوت بزنی؟ (سوئد)

اولف استارک<sup>۱</sup> و آنا هوگلاند<sup>۲</sup>، در داستان جوانا، می‌توانی سوت بزنی؟، نه فقط اجازه می‌دهند که شخصیت‌ها در دنیای کودکان جای بگیرند، بلکه در دنیای بزرگسالان نیز حضور یابند. جوانا، می‌توانی سوت بزنی؟، داستان پسر جوانی است که می‌خواهد سرپرستی پیرمردی را بپذیرد و او را نزد خود بیاورد. این پسر و دوستش، تصمیم می‌گیرند از یک خانه سالمندان بازدید کنند و ببینند که این کار شدنی است یا نه؟ اولین موقعیتی که پسرها (بیرا و جاگ) را در ابتدای تحقیق‌شان نشان می‌دهد، بیرون یک نانوائی است که با چراغ‌های رنگین تزئین شده و بر دنیای زنده کودکان دلالت دارد. این فضا، با جای پاهای خاکستری رنگ

خطوط نقش بیشتری در تصاویر ایفا می‌کنند. خواننده از دنیای باز بیرون، به درون کادر کشیده می‌شود؛ همان دور تسلسل گذر عمر. خطوط منظم پرسپکتیو، چشم را به سوی خلائلی که در انتهای راهروی طولی دیده می‌شود، هدایت می‌کند. تمام درها به جز اولی، شبیه هم هستند، در حالی که پسرها در وسط راهرو ایستاده‌اند. مخاطب احساس می‌کند که پدر بزرگ، در طول این راهرو حرکت می‌کند تا به نقطه مرگ خود برسد. نوری که از ورای در اتاق او می‌تابد، امید کوچکی را در زندگی این پیرمرد و بچه‌ها ایجاد می‌کند. (شکل ۱)

همه چیز درخانه سالمندان، با دو بُعد نشان داده می‌شود؛ شکل‌های منظم و خطوط حساب شده، در محدوده‌ای که سالمندان از آن حرکت می‌کنند و از واقعیت بسیار دور است. فقط زمانی که بچه‌ها پدر بزرگ را از خانه سالمندان بیرون می‌برند، چارچوب‌های سخت و محکم، ناپدید می‌شود و محیط شکل می‌گیرد. همین که آن‌ها خانه سالمندان را ترک می‌کنند، سرامیک‌های چهارگوش و ترسناک کفه، دست‌هایی که به کمر زده شده‌اند و پرستارهای



اونیفورم پوش، جای شان را با مسیری پیچاپیچ، درختان سبز و پرنده‌ها که نمادی از زندگی و آزادی در سوئیس هستند، عوض می‌کنند. [در این جا] متن داستان نیز احساس برانگیز می‌شود؛ همان طور که زندگی به شکل عجیب و غریبی، همراه سه کودک ادامه می‌یابد. حتی هنگامی که هوا کاملاً تاریک می‌شود، پدر بزرگ با سرخوشی تمام، هنوز قصد بالا رفتن از درخت را دارد تا گیلان‌ها را بجیند و روی زمین بنشیند و پیراشکی بخورد. فضا با درختان، محیطی سرسبز و ستاره‌ها احاطه شده است.

گرچه موقعیت‌های بصری فرهنگی خاص خانه سالمندان و مجلس ترحیم، در کتاب جوانا، می‌توانی سوت بزنی، ممکن است در سطح جهانی قابل درک نباشد، دوستی بین کودکان و بزرگسالان، یکی از مواردی است که تمام کودکان می‌توانند با آن ارتباط برقرار سازند. این کتاب سوئدی، در مجموعه

کتاب‌های تصویری اروپایی، روحیه و حالت اسکاندیناویایی را از میان موقعیت‌های زمانی و مکانی بروز می‌دهد و درحقیقت، نوعی معرفی فضای روستایی سوئد است. اولف استارک و آنا هوگلاند، به عنوان تیم دونفره نویسنده - تصویرگر، در سوئد شهرت دارند و با صرفه جویی در کاربرد خط و رنگ، در کتاب‌های‌شان تصاویری به وجود می‌آورند که زندگی امروزی سوئدی را به خواننده می‌دهد.

### کشتی موراگ و اسکله جدید (اسکاتلند)

داستان کشتی موراگ و اسکله جدید، نوشته مایری هدرویک<sup>۳</sup> نیز بر زندگی امروزی زادگاه نویسنده‌اش و رابطه بین جوانان و سالخوردهگان تأکید می‌کند. مادر بزرگ کتی موراگ، از این که در زندگی‌اش تغییری رخ دهد، هراسان است. برخلاف کتاب سوئدی، تصاویر هدرویک، مملو از خوشبینی در ارائه جزئیات و رنگ‌های روشن است تا بتواند بخش ساحلی جزیره اسکاتلندی استرالی<sup>۴</sup> را نشان بدهد. یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب، نشان دادن زندگی با استفاده از جزئیات و ارائه اطلاعات محلی در تصاویر است. مهم نیست که خواننده چندبار این کتاب را خواهد خواند، اما همیشه می‌تواند چیزی نو از میان جزئیات فرعی که از زندگی اسکاتلندی بروز می‌کند، بیابد. روی جلد کتاب، صحنه‌ای را با ضربه‌های قلم به رنگ روشن، رنگ‌های سبز تیره و چشم‌اندازی آرام پیش چشم می‌گذارد که نشان دهنده فضای یک دهکده ماهی‌گیری آرام است. شخصیت‌های اصلی عبارتند از کتی موراگ، مادر بزرگش و سگ کتی که همه آن‌ها تا حدی افسرده به نظر می‌رسند. هنگامی که کتی دستش را به نشانه دلگرمی و اطمینان بر زانوی مادر بزرگش می‌گذارد، چنین بر می‌آید که او همان کودکی است که نقش تسلی دادن و آرامش بخشیدن در داستان را ایفا می‌کند.

اسکله جدید، سبب نگرانی گرانیه آیلند<sup>۵</sup> شده و بین کهنه و نو فاصله ایجاد کرده است که این امر در کتاب، به شکل کاملاً روشنی دیده می‌شود. هیچ چیز بهتر از تصاویری که فروشگاه دهکده را نشان می‌دهد، به بیان این موضوع کمک نمی‌کند؛ جایی که در صفحات میانی، مادر بزرگ و نوه را از یکدیگر جدا کرده است. کتی موراگ در سمت راست، دست‌هایش را به هم داده است و در حالت انتظار، به روستاییانی نگاه می‌کند که درباره آینده صحبت می‌کنند، در حالی که گرانیه آیلند در سمت راست، مشکوک به نظر می‌رسد و بازوهایش را به حالت تسلیم، در هم گره زده است؛ تصویری آغازین که سبب ایجاد واکنشی در تمام طول داستان می‌شود. ساکنان جزیره که مشغول و گرفتارند، گویی توجهی به آن چه رخ می‌دهد، ندارند. هدرویک توجه بسیار زیادی به جزئیات مربوط به واقعیت در این صحنه دارد: همه چیز برچسب عنوان خود را دارد؛ یک پسر جوان نقاشی‌اش را به رئیس

که از کنار نانوائی می‌گذرد و به کلیسایی به همین رنگ ختم می‌شود و نیز با خط سیاه رنگ به جا مانده از یک نقش‌کش و [نمایی از] یک خانه سالمندان که خاکستری تیره است، مغایرت دارد. در این خانه، سالمندانی زندگی می‌کنند که بیرا قصد دارد یکی را از میان آن‌ها برگزیند. این سالمندان در جایی زندگی می‌کنند که حتی پرنده‌ها هم روی شاخه‌های درختانش نمی‌نشینند؛ چیزی که نشانه زندگی است. این دو صحنه، گفته ماری لوییس آلفسون<sup>۶</sup> را تأیید می‌کند و در یک موقعیت کاملاً سوئدی وار، نشان می‌دهد که «اکثر سالمندان روی تسمه نقاله‌ای به سوی مرگ می‌روند»؛ درست نمونه‌ای از وضعیت بسیاری از سالخوردهگان در سوئد. علاوه بر این، پاستل‌های هوگلاند، روی بازتاب آبرنگ‌های حومه شهر، سایه‌هایی انداخته است. هنگامی که پسرها در خانه سالمندان قرار دارند،

پست خانه نشان می‌دهد؛ کارگران ادب و یک پارچگی خود را به نمایش می‌گذارند؛ نوزادی در گهواره‌اش بازی می‌کند؛ سگی دزدکی، درحالی که کسی او را نمی‌بیند، مشغول خوردن بیسکویت است؛ و گفت و گوها به طور کلی بین همه تقسیم شده است. گوشه کوچکی از زندگی روستایی اسکاتلندی، در شلوغی این تصاویر، به خوبی نشان داده شده است. از نظر فرهنگی، این تصاویر با تصاویر منظم و باز کتاب سوئدی تفاوت دارد که احساس فضایی سرد را در خانه سالمندان به نمایش می‌گذارد.

هنگامی که اسکله در معرض تهدید قرار می‌گیرد، هدرویک، از تمام سطح دو صفحه روبه روی هم، برای نشان دادن امواج دریا استفاده می‌کند. رنگ‌های تند آبی و سبز، قایق قرمز رنگ کوچکی را در برگرفته‌اند که توسط گرانیب آیلند هدایت می‌شود. او کسی است که می‌داند در تیریراتی که پیش خواهد آمد، سهیم است. سرانجام، تاریکی آرام و بی صدا بر این دهکده خواب آلود چیره می‌شود. اسکله جدید در جای خود قرار دارد و تاریکی شب، حالتی مثبت دارد؛ گرمای رنگ زرد ماه، اسکله و یک یا دو خانه کوچک سبب ایجاد هماهنگی بین نو و کهنه شده است. (شکل ۲)

ابتدا ضربه‌های خشن قلم در تصاویر این کتاب یا سرزمینی سخت و ناهموار و جزیره‌ای پر از کشمکش را در ذهن تداعی می‌کند، اما با گسترش داستان، هدرویک بر آن می‌شود بین ساکنان جزیره، نوعی هماهنگی بصری به وجود آورد و به خوانندگان جوان خود، نشان دهد که حتی در یک جزیره اسکاتلندی خشن و کوهستانی، جایی که زندگی همیشه آسان نیست، کودکان می‌توانند به بزرگ‌ترها یاری دهند تا در صلح زندگی کنند.

### نگهبانان اشیای گم‌شده (اسپانیا)

نگهبانان اشیای گم‌شده، اثر خوان مانوئل گیسبرت<sup>۱</sup> و آلفونسو روانو<sup>۲</sup> نیز کمک به یکدیگر را به عنوان موضوع اصلی خود انتخاب کرده و صحنه را با استفاده از ابزارهای سینمایی، به نمایش گذاشته است. نمای نزدیکی از دو دست کوچک که فرفره‌ای را گرفته، آن چه را داستان بر آن تأکید می‌کند، نشان می‌دهد. سپس نمای نیمه نزدیکی از پسر (گابریل)<sup>۳</sup> نشان داده می‌شود که از پی آن، نمای بزرگ‌تری از آنالیزا<sup>۴</sup>، به صورتی رازگونه می‌آید که از میان چارچوب پنجره، خیره شده است. [سپس] نمای بزرگی از حیاط مدرسه [داریم] که نمای نزدیکی از چشم‌های آنالیزا از پی آن می‌آید و در همین زمان، گابریل در می‌یابد که فرفره‌اش گم شده است. نماهای بزرگ بعدی، هر دو نشان دهنده سفر دو کودک برای یافتن نگهبانان اشیای گم شده است و ورود آن‌ها به این خانه اسرارآمیز. دیوارهای پهن و پنجره‌های ضخیم، نشان دهنده مناظر خشک اسپانیاست و وقتی از گابریل خواسته می‌شود که اسباب بازی گم شده‌اش را در اتاقی

همان طور که نویسندگان، روش‌های مختلفی برای خلق حوادث و وقایع داستان‌های خود به کار می‌گیرند، تصویرگران هم می‌توانند با استفاده از خط، شکل و رنگ اتاقی خالی را به تصویر بکشند یا باغی زیبا را به نمایش بگذارند. آن‌ها با حذف ماهرانه جزئیات یا استفاده زیاد از آن، خواننده را قادر می‌سازند تا به دنیای دیگری پابگذارند.



رنگ‌ها و خطوط ملایم این کتاب، دنیای غیرواقعی خلق می‌کند. گابریل حقیقتاً آنالیزا را درک نمی‌کند؛ همان طور که خواننده هم به درک آنالیزا ناآشنا نمی‌شود. با این حال این کتاب تصویری، دنیایی به یاد ماندنی خلق می‌کند که موضوعش دوستی است؛ موضوعی که همه جهانیان آن را درک می‌کنند. نمادهای فرهنگی اسپانیای خشک، با محیطی که به رنگ قهوه‌ای است و توسط هنرمندان آن، پررنگ‌تر هم شده است، کاملاً با موقعیت کتاب‌های سوئدی و اسکاتلندی مغایرت دارد. در کتاب‌های سوئدی و اسکاتلندی، تصویرگران تمایل داشتند که از رنگ‌های آبی و سبز، به مثابه بازتابی از دریا و محیط اطراف خود، استفاده کنند.

### ساکنان مرداب (دانمارک)

ایب اسپنگ اولسن<sup>۴</sup> در داستان عامیانه ساکنان

که پر است از اشیای گم شده پیاپی، پنجره‌های بسته از ورود نور به اتاق جلوگیری می‌کنند. سپس، زمانی که او به دنبال ساعت مچی گم شده مادرش می‌گردد، اتاق مملو است از ارجاعات بصری هنرمندان اسپانیایی. موقعیت غیرواقعی و جادویی این کتاب، نه فقط از خلال تکنیک‌های سینمایی و تصاویر آغازین مانند فرفره، بلکه به سبب استفاده تصویرگر از نور و سایه، به دست می‌آید. در اتاق زمان، هنگامی که گابریل با آثار هنرمندانی چون سالوادور دالی<sup>۵</sup> مواجه می‌شود، او و نگهبان در نور سفید غرق می‌شوند؛ درست مثل این که طلسم شکسته شده باشد. فرار از این موقعیت امکان ندارد و دنیای غیر واقعی، با تصاویر شمایل وار پر شده است. این جا همان مکانی است که سرانجام، گابریل پس از یک جست و جویی طولانی، آنالیزا را پیدا می‌کند. شیء گم شده در این جا، همان دوست جدید است. (شکل ۳).

مرداب، از شیوه‌ای منحصر به فرد و خیالی استفاده کرده؛ به طوری که تمام داستان با سایه‌های متنوعی از رنگ سبز نشان شده است و صحنه‌هایی از شکوفایی و حاصل‌خیزی را به نمایش می‌گذارد. داستان در دانمارک رخ می‌دهد. مه روی مرداب را قرار گرفته و ساکنان مرداب، مشغول جوش آوردن آب هستند. این شخصیت‌های فولکلوریک، در زیر زمین به خواب عمیقی فرو رفته‌اند و فقط کودکان برای کمک به والدین‌شان بیرون می‌آیند تا خود را آماده رسیدن بهار کنند. تصاویر غیر معمول، فضای جادویی خاصی را حول حوادث داستان ایجاد می‌کند.

شخصیت‌های فولکلوریک این داستان دانمارکی، هم‌رنگ و با بافتی مشابه بافت زمینی به نمایش در می‌آیند؛ گویی بخشی از زمین هستند. حرکات آن‌ها با نماهای متوسط نشان داده می‌شود. آن‌ها دوستی و صمیمیت اندکی با هم دارند. کنش‌های متقابل پی‌درپی با دیگر ساکنان زمین که با جزئیات ضمنی گوناگون نشان داده شده است و اغلب بر شخصیت‌های خاصی تأکید دارد، از زندگی پر مشغله ساکنان مرداب حکایت می‌کند. هنگامی که خورشید به بالاترین حد خود در آسمان می‌رسد، [محیط] این جامعه داستانی، روشن می‌شود. رنج و محنت به پایان می‌رسد و گرمای خورشید، پیام آور لذت و سرخوشی است. این تغییرات در جایی رخ می‌دهد که هیچ نشانه‌ای از رنگ سبز وجود ندارد و رنگ‌های مایل به صورتی، بر فراز مرداب دیده می‌شود. بهار دانمارک، با صرفه جویی در رنگ و خط از راه می‌رسد. مردم دانمارک، فاصله چندانی از دریا ندارند و این امر در کتاب‌های تصویری‌شان، با استفاده زیاد از رنگ‌های آبی و سبز، به خوبی دیده می‌شود. در دیگر کشورهای

اسکاندیناوی، مانند فنلاند، نروژ و سوئد نیز تصاویر کتاب‌های مصور، اغلب مجاورت با دریا یا دریاچه‌ها را نشان می‌دهد. این ویژگی، در کتاب سوئدی جوانا، می‌توانی سوت بزنی؟ هم دیده می‌شود. (شکل ۴)

می‌توان گفت که فرار رسیدن بهار، در بسیاری از فرهنگ‌ها، با استقبال مواجه می‌شود؛ گویی رسمی قراردادی است که همه جا پذیرفته شده است. با وجود این، برای مردم دانمارک جزئی از میراث‌شان به شمار می‌آید که به بررسی و شرح مفصل‌تری نیازمند است. این کتاب جنبه‌هایی از زندگی روستایی مردم دانمارک را می‌نمایاند و در عین حال، بازتابی است از باور فرهنگی کمک به والدین در این کشور.

#### پاتریک مقدس و مرد کافر (ایرلند)

سایه‌هایی به رنگ سبز، اغلب با فرهنگ ایرلندی پیوستگی دارد، اما در تصاویر کتاب گابریل روزن استوک (پاتریک مقدس و مرد کافر)، چندان چشم‌گیر نیست. البته، داستان از مرد کافری در قرون وسطی حکایت می‌کند که با کمک و تشویق خدمتکار جوانش، به دین مسیح ایمان می‌آورد. و این دگرگونی در عقیده، با تصویری که در آن رنگ‌های روشن به کار گرفته شده است، تأثیر بیشتری بر خواننده می‌گذارد. رنگ‌های زرد، به ویژه در اطراف سر پاتریک مقدس، به موضوع تأثیری خدایی می‌بخشد. پاتریک مقدس که حافظ سرزمین ایرلند است، تلاش می‌کند تا مرد کافر را از طریق خدمتکار جوانش، به سوی خداوند جذب کند. پاتریک مقدس، این کار با رد کردن سه تکه بزرگ گوشت خوک که به او تعارف شده است و جایگزین کردن آن‌ها با کلمات خداوند که به پسر جوان ارایه می‌کند، انجام می‌دهد. گرچه مرد کافر از این جابه‌جایی

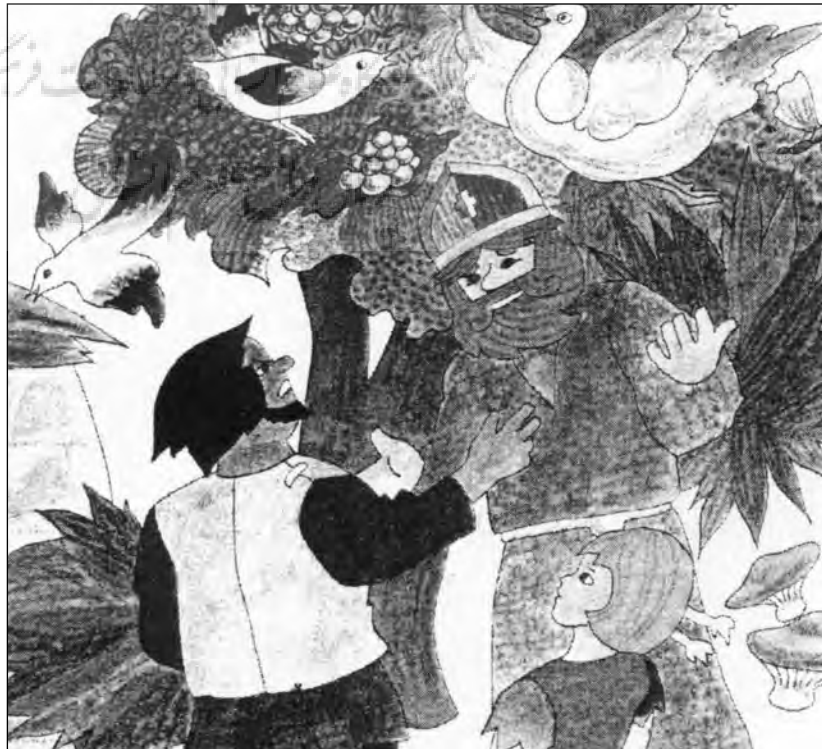
دلگیر می‌شود و اصرار دارد که به زیارت پاتریک مقدس را برود.

فضای [بصری] این کتاب با کاربرد رنگ‌های باطراوت توسط روزن استوک، عجین شده است؛ به ویژه در صحنه پایانی. در این جا حرکت جارو شکل رنگ‌های زرد، نمادی از حرکت به سوی بهشت است که در کنار نمای نزدیک پاتریک مقدس، تأثیر بیشتری ایجاد می‌کند. در عوض، سه تکه گوشت خوک، به سوی پایین سرازیر شده‌اند و از شخصیت مرد کافر - که کم ارزش‌تر از پاتریک مقدس است. فاصله می‌گیرند، این کار، به تفکیک مشخص‌تر هر دو شخصیت و طرز تفکر پاتریک مقدس و مرد کافر که در جهت خلاف یکدیگرند، کمک می‌کند. شمایل کارتون پاتریک مقدس و مرد کافر، بر خلاف پس زمینه که به رنگ‌های آبی و صورتی است و کبوتر سفیدی که از سوی مرد کافر به سوی پاتریک مقدس در پرواز است، سمبل مسیحی شدن مرد کافر است. (شکل ۵)

درون مایه جهانی این کتاب، یعنی دوستی، هنگامی خود را نمایان می‌سازد که خدمتکار جوان، در جایگاه یک واسطه مذهبی، بین پاتریک مقدس و مردکافر عمل می‌کند. نقش او کمک به بزرگ‌ترهاست تا به حقیقت واقف گردند. مواجهه و درک نادرست در زندگی اغلب کودکان رخ می‌دهد. این داستان عامیانه، در دنیای فانتزی [جهان دوم] رخ می‌دهد و با برخورداری از شخصیت سازی و روابط، بازتابی است از ایدئولوژی‌ای که در بسیاری از کشورهای کاتولیک وجود دارد، اما برای دیگر مردمان نیز قابل درک است و می‌تواند با آن ارتباط برقرار سازند.

#### شهرهای دریایی (ولز)

کتاب شهرهای دریایی، اثر شیان لویس<sup>۱۵</sup> و جکی موریس<sup>۱۶</sup>، یکی دیگر از جنبه‌های فرهنگی سلتی را نمایان می‌سازد. این داستان، ضرب المثل «غرور مقدمه شکست است» را درون مایه خود قرار داده است و در آن، پسر جوانی، با کمک دوستش می‌کوشد به پدر مغرور خود کمک کند. این داستان، مورد علاقه ولزی هاست و در اغلب کشورها نیز از آن استقبال شده است. برخلاف رنگ‌های تعریف شده در مذهب کاتولیک که در کتاب‌های ایرلندی نشان داده شده است، مناظر بارانی ولز، با رنگ‌های سبز و آبی و به ویژه شیوه فولکلوریک قرون وسطایی به تصویر در آمده است و موقعیت شخصیت‌ها با شروع و پایان یافتن داستان، مشخص می‌شود. پادشاهی به پسرش، قلمرو حکومت آینده‌اش را نشان می‌دهد. سرزمین‌های روستایی که در دو صفحه از کتاب که روی به روی هم قرار گرفته است، احساسی از ارثیه‌ای پایان نیافتنی به بیننده منتقل می‌کند و سرانجام، جزئیاتی از زندگی شاهنامه را به صورتی هماهنگ با چشم اندازی از مناظر بکر سلتی، پیش روی بیننده





## تجزیه و تحلیل عناصر بصری، ممکن است توسط کودکان به منظور پرورش و رشد زبان گفتاری و نوشتاری و هم چنین، آشنایی با نحوه کارکرد روایت در برخی داستان‌ها، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، تجزیه و تحلیل عناصر بصری، به ایجاد حس مکان در داستان‌ها کمک می‌کند

تصویرگران، چگونگی در داستان‌های‌شان صحنه‌ها را خلق می‌کنند. تجزیه و تحلیل کتاب‌های مصور، می‌تواند به ما نشان دهد که مطالب بصری تا چه حد ظرفیت کمک کردن به آموزگاران و آموختن به شاگردان آنان را در «خواندن» دنیای بصری اطراف‌شان دارد. در یک ارزیابی اولیه که در مورد مجموعه کتاب‌های اروپایی در مدارس ابتدایی صورت گرفت [مشخص شده که] آموزگاران، رویکرد تازه‌ای را به استفاده از کتاب‌های تصویری اروپایی، برای آموختن ادبیات و زبان به کودکان آغاز کرده‌اند. به علاوه، درون مایه دوستی کمک می‌کند تا درک جامعی که می‌تواند فرهنگ‌ها را به هم پیوند زند.

### پی نوشت‌ها:

- ۱- Penni Cotton
- ۲- Judith Graham
- ۳- Ulf Stark
- ۴- Anna Hoglund
- ۵- Marie Louise Olofson
- ۶- Mairi Hedderwick
- ۷- Struay
- ۸- Grannie Island
- ۹- Juan Manuel Gisbert
- ۱۰- Alfonso Ruano
- ۱۱- Gabriel
- ۱۲- Analisa
- ۱۳- Salvador Dali
- ۱۴- Ib Spang Olsen
- \* Gabriel Rosenstock
- ۱۵- Sian Lewis
- ۱۶- Jackie Morris

O منبع: Bookbrid (Vol.۴۰, NO.۲-۲۰۰۲)

میان این کتاب‌ها، آن‌هایی که به شمال اروپا تعلق دارند، بیشتر رنگ‌های آبی و سبز را به کار برده‌اند؛ در حالی که کتاب‌های جنوب اروپا، بیشتر از رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی استفاده می‌کنند. این تفاوت، به وضوح می‌تواند با مقایسه فضای کتاب‌های اسکاتلندی و اسپانیایی، به خوبی دیده می‌شود. با دقت بیشتری به متن کتاب‌های اروپایی، می‌توان تفاوت‌های خاصی را در کاربرد خط و شکل، برای نشان دادن درون مایه دید. به عنوان مثال، در سه کتاب سلتی، از بافت قومی و جزئیات برای نشان دادن سنن فرهنگی و ریشه‌های چندگانه فرهنگی استفاده شده است. در عوض، در دو کتاب متعلق به منطقه اسکاندیناوی با صرفه جویی در کاربرد خط و بافت و نشان دادن حومه و حواشی شهرها، به لزوم تغییرات در زندگی توجه شده است. گرچه در میان این شش کتاب، فقط یکی از آن‌ها به جنوب اروپا تعلق داشت، می‌توان تفاوت در کاربرد رنگ‌ها و شیوه تصویرگری را به خوبی تشخیص داد. داستان اسپانیایی تا حدی مبهم است و با استفاده از شکل‌های خشک و ضخیم، وفاداری خود را به سنت هنری، بیشتر به نمایش گذاشته است.

### خلاصه

این نمونه کوچک، نشان می‌دهد که تجزیه و تحلیل دقیق و موشکافانه این چند کتاب تصویری منتخب اروپایی، تا چه حد می‌تواند نقش مهمی در درک کودکان داشته باشد تا دریابند که نویسندگان و

می‌گذارد. زوال پادشاه و مردمش، به دلیل افراط در خوشگذرانی و میخوارگی است. غذا و انواع نوشیدنی، در بسیاری از تصاویر کتاب به چشم می‌خورد و مردم چون گرازهای وحشی، در حال خوردن و نوشیدن هستند. رنگ‌های قهوه‌ای، قرمز و آبی تیره، نه فقط بر این افراطی‌گری در خوشگذرانی و میگساری تأکید می‌کنند، بلکه به نوع غذاهایی که مصرف می‌شود نیز اشاره دارند. متأسفانه پادشاه و اطرافیانش آن چنان گرم خوشگذرانی هستند که هیچ توجه‌ای به هشدارهای پسر جوانی که تلاش می‌کند تا پدرش را وادارد دریچه سد شهر را ببندد، ندارند. در این جا تفاوت و تضاد، با قرار دادن کودک در یک سمت از دو صفحه روبه روی هم و پادشاه در طرف دیگر، نشان داده شده است. این صحنه قرون وسطایی از ولز، یک نوع مواجهه سنتی را به نمایش گذاشته است. کودک مطمئن نیست که بتواند پادشاه و اطرافیانش را قانع کند. بی‌اعتنایی پادشاه و اطرافیانش به آن چه ممکن است رخ دهد و اصرار آن‌ها بر ادامه خوشگذرانی، آغاز فاجعه‌ای است که ممکن است شهر را نابود سازد. با ادامه یافتن جشن و سرور پادشاه و اطرافیانش، دریا سد را درهم می‌شکند و شهر را در خود غرق می‌کند. آخرین تصاویر، پدر و پسر را نشان می‌دهد که از بیرون دریا، از راست به چپ صحنه نگاه می‌کنند، درحالی که دریا از آن سرزمینی حاصلخیز، چیزی باقی نگذاشته است. (شکل ۶)

### تفاوت‌های فرهنگی

این داستان ولزی، مانند دیگر کتاب‌های مصور اروپایی که در این جا به آن‌ها اشاره شد، فرهنگ گذشته و حال یک ملت را از طریق تصاویر بیان می‌کند. این کتاب‌ها طیف وسیع تصویرگری را در سرزمین اروپا نشان می‌دهد؛ به ویژه موقعیت‌های اشخاص را در طول داستان و از طریق کاربرد رنگ. از